

شاخص توسعه انسانی

مقدمه

از هنگامی که اقتصاد دانان به بررسی مسائل توسعه کشورهای در حال توسعه پرداختند رشد اقتصادی (رشد تولید ناخالص داخلی) به عنوان بهترین شاخص رشد و توسعه اقتصادی کشورها مقبولیت عام یافت. ولی تجربه کشورها در طی چند دهه گذشته نشان داد که اگر چه رشد اقتصادی شرط لازم برای بهبود زندگی افراد جامعه است ولی شرط کافی نیست. حداقل سه دلیل وجود دارد که درآمد سرانه بالاتر ممکن است لزوماً به معنای در آمد بالاتر برای همه یا حتی اکثر خانوارها نباشد:

۱- دولت ها ممکن است منافع حاصل از رشد اقتصادی و درآمد سرانه بالاتر را صرف بهبود رفاه شهروندان نکنند، بلکه برای تقویت قدرت سیاسی خود درآمد را صرف هزینه های نظامی و یا پروژه های جاه طلبانه پر هزینه کنند.

۲- دولتها ممکن است با سرکوب کردن میل به مصرف منابع تحصیل شده از رشد اقتصادی را صرف سرمایه گذاریهای آینده نمایند به گونه ای که افزایش مصرف در دورههای بعد امکان پذیر شود که در این صورت نسل حال از سطح رفاه پائین تری برخوردار خواهند شد.

۳- حتی اگر میانگین در آمد و مصرف جامعه افزایش یابد با توجه به وجود شکاف در آمدی بسیار متحمل خواهد بود که آنانی که وضع رفاهی بهتری دارند بخش اعظم منافع حاصل از رشد را به خود اختصاص دهند و سهم گروههای فقر بسیار کمتر از گروههای دیگر افزایش یابد.

ناکافی بودن معیار در آمد سرانه و رشد اقتصادی در تعیین رفاه شهروندان موجب شد که برخی اقتصاد دانان توجه خود را به شاخصهایی معطوف سازند که علاوه بر متغیرهای اقتصادی در برگیرنده متغیرهای اجتماعی و انسانی نیز باشد. یکی از مهمترین این شاخص ها "شاخص توسعه انسانی" (HDI) Human Development Index است.

شاخص توسعه انسانی

این شاخص در سال ۱۹۹۰ توسط آمارتیا سن (Amartya Sen) - برنده جایزه نوبل - و اقتصاددان پاکستانی محبوب الحق (Mahbub-UL Hag) و با همکاری گوستا و رانیس (Gustav Ranis) استاد دانشگاه ییل و دسای (Desai) استاد مدرسه اقتصاد لندن توسعه یافت و از همان زمان توسط "برنامه توسعه سازمان ملل" (UNDP) مورد استفاده قرار گرفت.

تأکید این شاخص بجای استفاده از درآمد سرانه به جنبه های وسیعتر توسعه معطوف گردید. این شاخص ضمن اینکه معیاری برای اندازه گیری رفاه شهروندان بدست می دهد اثر سیاستهای اقتصادی بر کیفیت زندگی شهروندان را اندازه گیری می کند.

این شاخص کشورها را بر حسب کیفیت زندگی شهروندان و نه صرفاً براساس ارقام سنتی در آمد سرانه آنها رتبه بندی می کند.

معیار محاسبه این شاخص میانگین سه نماگر امید به زندگی (Life Expectancy)، پیشرفت آموزشی (Educational Attainments) و در آمد سرانه تبدیل شده بر اساس برابری قدرت خرید (PPP) است. اگر چه درآمد و ثروت ملی بطور بالقوه دامنه انتخاب افراد را گسترش می دهد ولی ممکن است لزوماً چنین نباشد. در واقع آنچه تعیین کننده است نه خود ثروت بطور فی نفسه بلکه روشی است که کشورها ثروت را به مصرف می رسانند.

بهترین راه برای ارزیابی توسعه یافتگی کشورهای مختلف جهان رجوع به شاخصی چون درآمد سرانه است. منظور از درآمد سرانه نسبت تولید ناخالص داخلی هر کشور به جمعیت آن کشور است که تا مدت‌ها تنها معیار توسعه یافتگی بود. اما با تشکیک و انتقادهایی که به این شاخص شد، صاحب نظران اقتصادی و اجتماعی شاخصی به نام «شاخص توسعه انسانی» یا «Human Development Indicators» که به اختصار HDI نامیده می شود را معرفی کردند. به عقیده این صاحب نظران هرچند رشد اقتصادی ابزار مهمی در توسعه انسانی است اما توسعه فقط وابسته به رشد و سطح درآمد نیست.

توجیه دیگر برای تضعیف درآمد سرانه در توسعه انسانی این است که توسعه به این مسأله بستگی دارد که درآمدها چگونه هزینه می شود، آیا ثروت کشورها صرف گسترش تسلیحات می شود یا نه این ثروت برای افزایش تولید مواد غذایی، ساختمان و آب سالم مورد استفاده قرار می گیرد.

با توجه به این ادله گزارش توسعه انسانی که توسط سازمان ملل منتشر می شود اکنون شامل ۳۳ جدول و ۲۰۰ شاخص مختلف است. نرخ امید به زندگی در کودکان زیر ۵ سال، نرخ باسوادی، دسترسی به آب سالم، تبعیض بین زنان و مردان، فقر و فاصله طبقات اجتماعی همه جزء متغیرهایی است که در تبیین جایگاه توسعه انسانی هر کشور نقش دارد.

اما محور همه این متغیرها سه شاخص اساسی است. به عبارت دیگر برای رسیدن به شاخص توسعه انسانی اقتصاد دانان از سه شاخص عمده که به عقیده ایشان بخش عمده ای از واقعیت های اقتصادی در آنها نهفته است استفاده می کنند. بهداشت و سلامتی با شاخص نرخ امید به زندگی، علم و دانش با شاخص نرخ باسوادی و وضعیت اقتصادی با شاخص درآمد سرانه سه متغیر اصلی هستند که سه ضلع شاخص توسعه انسانی را تشکیل می دهند.

اما وقتی صحبت از شاخص می شود، سؤال اساسی این است که این شاخص چگونه محاسبه می شود. برای مثال، در گزارش سالانه سازمان ملل شاخص بهداشت یا شاخص دانش چگونه به دست می آید؟

کارشناسان این سازمان از یک فرمول کلی برای به دست آوردن شاخص ها استفاده می کنند. برای مثال اگر نرخ امید به زندگی در کشوری در سال ۲۰۰۲ برابر ۷۸ سال باشد این میزان از کمترین نرخ امید به زندگی در آن کشور مثلاً ۲۵ سال کسر شده و حاصل آن بر تفاضل بیشترین و کمترین نرخ امید به زندگی مثلاً $(۸۵-۲۵=۶۰)$ تقسیم می شود و به این ترتیب شاخص امید به زندگی در آن کشور به دست می آید. شاخص علم و شاخص اقتصادی نیز به شیوه ای مشابه محاسبه می شود. بعد از محاسبه این سه شاخص از آنها میانگین موزون گرفته شد و شاخص توسعه انسانی به دست می آید.

جایگاه ایران در شاخص توسعه انسانی

مطابق فرمولی که ذکر شد می توان عدد شاخص توسعه انسانی ایران را به دست آورد. در گزارش توسعه انسانی نرخ امید به زندگی در ایران ۷۰/۱ سال در نظر گرفته شد که براساس آن شاخص امید به زندگی (Life Expectancy Index) برابر ۰/۷۵ است.

گفتنی است که هر شاخص عددی بین ۰ تا یک می باشد که یک بهترین و صفر بدترین وضعیت است. همچنین در این گزارش نرخ باسوادی در افراد بالای ۱۵ سال ایرانی ۷۷/۱ درصد ذکر شده که شاخص تعلیم و تربیت (Education Index) در ایران ۰/۷۴ می باشد. در گزارش سازمان ملل متحد درآمد سرانه هر ایرانی براساس قدرت خرید ۶ هزار و ۶۹۰ دلار اعلام شده که شاخص تولید ناخالص (GDP Index) ایران حدود ۰/۷۰ است. به این ترتیب با جمع سه شاخص فوق یعنی اعداد ۰/۷۵ ، ۰/۷۴ و ۰/۷۰ عدد ۰/۷۳۲ به دست می آید که نشان دهنده شاخص توسعه انسانی ایران می باشد. ایران با این شاخص در رده ۱۰۱ از حدود ۱۷۷ کشور جهان قرار دارد. اکوادور، یونان، سریلانکا، السالوادور، سوریه و الجزایر از جمله کشورهایی هستند که از نظر شاخص توسعه انسانی در ردیف ایران می باشند.

نروژ، سوئد، استرالیا، کانادا و هلند با اعداد ۰/۹۵۶ ، ۰/۹۴۶ ، ۰/۹۴۶ ، ۰/۹۴۳ ، ۰/۹۴۲ در رتبه اول تا پنجم شاخص توسعه انسانی قرار دارند.

بلژیک، ایسلند، آمریکا، ژاپن و ایرلند نیز در رتبه های ۶ تا ۱۰ شاخص توسعه انسانی قرار دارند. همچنین کشورهای سیرالئون، نیجر، بورکینافاسو، مالی و برونی پنج کشور جهان هستند که در رده های آخر شاخص توسعه انسانی قرار دارند.

تحلیلی بر شاخص توسعه انسانی ایران و سایر کشورها

اگر چه انتظار می رود که کشورهای با درآمد سرانه بالاتر از شاخص توسعه انسانی بالاتری برخوردار باشند ولی لزوماً چنین نیست. مقایسه های بین کشوری نشان می دهد که بسیاری از کشورها با درآمد سرانه بالاتر در سطح پائینی از شاخص توسعه انسانی قرار دارند و بالعکس در برخی از کشورها رتبه شاخص توسعه انسانی از رتبه در آمد

سرانه آنها بالاتر است. در واقع مقایسه رتبه شاخص توسعه انسانی و رتبه درآمد سرانه کشورها نشان می دهد که تا چه حد ثروت و درآمد کل کشور صرف بهبود کیفیت زندگی شهروندان شده است. پائین تر بودن شاخص توسعه انسانی در مقایسه با درآمد سرانه کشور نشان می دهد که متغیرهای توسعه انسانی (آموزش، بهداشت، رفاه و تأمین اجتماعی) متناسب با رشد و درآمد کشور توسعه نمی یابند و لذا کیفیت زندگی شهروندان متناسب با رشد درآمد سرانه کشور بهبود نمی یابد.

شاخص توسعه انسانی سال ۲۰۰۷ که اخیراً توسط برنامه توسعه سازمان ملل منتشر گردیده است بر پایه داده های آماری ۲۰۰۵ قرار دارد. در شاخص توسعه انسانی سال ۲۰۰۷ کشورها در سه گروه شاخص بالا، متوسط و پائین دسته بندی شده اند. ایسلند، نروژ و استرالیا بترتیب بالاترین رتبه را در گروه بالا به خود اختصاص داده اند. گروه بالا از ۷۰ کشور تشکیل گردیده است که علاوه بر کشورهای پیشرفته و برخی کشورهای آمریکای لاتین کلیه کشورهای نفتی خاورمیانه (به استثنای ایران و عراق) و لیبی در شمال آفریقا را شامل می شود. ایران با قرار گرفتن در رتبه ۹۴ شاخص توسعه انسانی در گروه دوم که شامل ۸۵ کشور است قرار می گیرد. مقایسه رتبه شاخص توسعه انسانی در سال ۲۰۰۷ با رتبه آن در سال ۲۰۰۵ نشان می دهد که در کشورهای نفتی عضو اوپک به جز ونزوئلا و الجزایر (با ۲ رتبه کاهش) و کویت (بدون تغییر رتبه) بقیه کشورها با صعود در رتبه توسعه انسانی مواجه بوده اند. در بین این کشورها عربستان ۱۵ رتبه، قطر ۱۱ رتبه، امارات متحده عربی ۱۰ رتبه، لیبی ۸ رتبه، ایران ۲ رتبه و اندونزی و نیجریه هر یک ۱ رتبه در شاخص توسعه انسانی صعود کرده اند.

مقایسه رتبه شاخص توسعه انسانی در سالهای مختلف بویژه در مورد کشورهای نفتی نشان می دهد که افزایش این رتبه نمی تواند به عنوان بهبود در کیفیت زندگی شهروندان تلقی شود. همانگونه که قبلاً توضیح دادیم شاخص توسعه انسانی از میانگین سه نماگر امید به زندگی، پیشرفت آموزشی و درآمد سرانه بر اساس برابری قدرت خرید بدست می آید و درآمد سرانه خود یکی از اجزاء شاخص توسعه انسانی است. با بالا رفتن قیمت نفت درآمد سرانه افزایش می یابد و این افزایش موجب بالا رفتن شاخص توسعه انسانی گردیده و رتبه شاخص توسعه انسانی را بالا می برد بدون اینکه لزوماً تغییر عمده ای در امید به زندگی و پیشرفت آموزشی حاصل شده باشد.

بهمین دلیل است که عربستان سعودی با بالاترین میزان صدور و در آمد نفت در بین کشورهای اوپک در طی سالهای ۲۰۰۵-۲۰۰۷ با بیشترین میزان صعود در رتبه توسعه انسانی مواجه شده است. بطور خلاصه باید گفت که تأکید بر بهبود رتبه شاخص توسعه انسانی در طی یک دوره زمانی، بویژه در مورد کشورهای نفتی می تواند بسیار گمراه کننده باشد. در واقع آنچه باید مورد توجه قرار گیرد و در سیاستگذاری استفاده شود شکاف بین رتبه درآمد سرانه و رتبه شاخص توسعه انسانی است. منفی بودن شکاف بین رتبه درآمد سرانه و رتبه شاخص توسعه انسانی به این معناست که درآمدهای تحصیل شده به اندازه کافی صرف بهبود کیفیت زندگی شهروندان و متغیرهای توسعه انسانی (آموزش، بهداشت، رفاه و تأمین اجتماعی) نمی شود و یا به بیانی دیگر شهروندان کشور اثر افزایش در آمد (بویژه در مورد کشورهای نفتی) را در زندگی روزمره خود لمس نمی کنند.

جایگاه کشورهای توسعه یافته

برای درک بهتر موقعیت ایران در شاخص توسعه انسانی خوب است نگاهی به وضعیت کشورهای توسعه یافته داشته باشیم. براساس گزارش سازمان ملل نرخ امید به زندگی در کشورهای توسعه یافته عددی بین ۷۶ تا ۸۰ می باشد به طوری که ژاپن با نرخ امید به زندگی ۸۱/۵ سال رتبه اول را در بین کشورهای توسعه یافته دارا است. بعد از ژاپن، سوئد با نرخ امید به زندگی ۸۰ سال و ایسلند با نرخ ۷۹/۷ سال در رده های دوم و سوم قرار دارند. گفتنی است که نرخ امید به زندگی در کشورهای نروژ ۷۸/۹ سال، آمریکا ۷۷ سال و انگلستان ۷۸/۱ سال می باشد.

شاخص مهم بعدی در توسعه انسانی نرخ باسوادی می باشد که براساس گزارش سازمان ملل این نرخ در عمده کشورهای توسعه یافته ۱۰۰ درصد می باشد. نگاهی به جداول گزارش توسعه انسانی نشان می دهد که ۱۹ کشور اول شاخص توسعه انسانی که آخرین آنها آلمان است دارای نرخ باسوادی ۱۰۰ درصد می باشند. اسپانیا که در رده بیستم شاخص توسعه انسانی است از نظر نرخ باسوادی عدد ۹۷/۷ درصد را به خود اختصاص داده است. این میزان برای کشورهایی چون ایتالیا و هنگ کنگ به ترتیب ۹۸/۵ و ۹۳/۵ می باشد.

درآمد سرانه ضلع سوم شاخص توسعه انسانی است. مقایسه وضعیت کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه از شکاف عمیق بین این کشورها حکایت می کند. در گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۴ به غیر از لوکزامبورگ که به دلیل جمعیت کم دارای درآمد سرانه ۶۱ هزار و ۱۹۰ دلار است، نروژ با درآمد سرانه ۳۶ هزار و ۶۰۰ دلار در رتبه اول کشورهای توسعه یافته قرار دارد.

درآمد سرانه ایسلند در این گزارش ۳۶ هزار و ۳۶۰ دلار و درآمد سرانه آمریکا ۳۵ هزار و ۷۵۰ دلار می باشد. درآمد سرانه کشورهای صنعتی چون آلمان، فرانسه و ژاپن به ترتیب ۲۷ هزار و ۱۰۰ دلار، ۲۶ هزار و ۹۲۰ دلار و ۲۶ هزار و ۹۴۰ دلار می باشد. بنابراین در یک تقسیم بندی وضعیت کشورهای عضو (او-ای-سی-دی) که شامل کشورهای توسعه یافته است در شاخص توسعه انسانی به گونه ای می باشد که نرخ امید به زندگی در این کشورها ۷۷/۱ سال، نرخ باسواد ۱۰۰ درصد و درآمد سرانه ۲۴ هزار و ۸۰۶ دلار می باشد.

وضعیت کشورهای فقیر

برای پی بردن به وضعیت نامتقارن توزیع درآمد و شاخص های اقتصادی و اجتماعی باید نگاهی به موقعیت کشورهای فقیر در شاخص توسعه انسانی داشته باشیم در حالی که متوسط نرخ امید به زندگی در کشورهای توسعه یافته (عضو OECD) حدود ۷۷ سال است. این میزان در کشورهای فقیر در حدود ۵۹ سال می باشد و این در حالی است که متوسط نرخ امید به زندگی در کشورهای بسیار ثروتمند ۷۷/۴ سال و در کل جهان ۶۶/۹ سال می باشد.

با این وجود، نرخ امید به زندگی در کشوری چون سیرالئون ۳۴/۳ می باشد و این میزان در کشوری چون نیجر ۴۶ سال و در بورکینافاسو ۴۵/۸ سال می باشد. علاوه بر این، مسأله نرخ باسواد نیز در کشورهای فقیر به هیچ وجه قابل مقایسه با کشورهای توسعه یافته نمی باشد. این نرخ در کشورهای سیرالئون، نیجر، بورکینافاسو و مالی به ترتیب ۳۶، ۱۷/۱، ۱۲/۸ و ۱۹ درصد است. متوسط نرخ باسواد در کشورهایی که در رده های پایین شاخص توسعه انسانی می باشند ۵۴/۳ درصد است.

همان طور که ذکر شد درآمد سرانه کشورهایی که در رتبه اول تا دهم شاخص توسعه انسانی قرار دارند بین ۲۹ هزار دلار تا ۳۶ هزار دلار می باشد، اما این مقدار در کشورهایی که در رده های پایین شاخص توسعه انسانی هستند

بین ۵۲۰ تا ۱۱۰۰ دلار می باشد. در این بین، درآمد سرانه سیرالئون تنها ۵۲۰ دلار، نیجر ۸۰۰ دلار، مالی ۹۳۰ دلار و بورکینافاسو ۱۱۰۰ دلار می باشد.

به این ترتیب در آمد یک فرد در کشورهای توسعه یافته با درآمد سرانه متوسط ۳۰ هزار دلار، ۴۰ تا ۵۰ برابر کشورهای است که در رده پایین شاخص توسعه انسانی قرار دارند .

جدول شماره ۱ رتبه تولید ناخالص داخلی سرانه (PPP) و رتبه شاخص توسعه انسانی (HDI) را در کشورهای نفتی خاور میانه در سال ۲۰۰۷ نشان می دهد.

در این جدول سعی شده است هر یک از کشورهای نفتی خاورمیانه با کشور دیگری مقایسه شود که دارای درآمد سرانه نسبتاً یکسانی است و در مورد هر دو کشور رتبه شاخص توسعه انسانی و شکاف بین دو رتبه مقایسه شود. همانگونه که جدول فوق نشان می دهد قطر و اتریش هر دو دارای درآمد نسبتاً یکسانی هستند (در دامنه ۳۶۰۰۰ دلار) ولی رتبه قطر در توسعه انسانی ۳۵ و رتبه اتریش ۱۵ است و رتبه شاخص توسعه انسانی قطر ۲۶ واحد عقب تر از درآمد سرانه اش است.

به همین ترتیب رتبه شاخص توسعه انسانی در امارات متحده عربی ۲۳ واحد، عربستان ۱۵ واحد و ایران ۱۵ واحد عقب تر از رتبه درآمد سرانه است. ایران و پاناما هر دو دارای درآمد سرانه نسبتاً یکسانی هستند (در دامنه ۸۵۰۰ دلار) در حالی که پاناما در رتبه شاخص توسعه انسانی ۱۴ واحد جلوتر و ایران ۱۵ واحد عقب تر است.

بررسی رتبه های شاخص توسعه انسانی و درآمد سرانه، بویژه در کشورهای نفتی ضرورت توجه بیشتر به مؤلفه های کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی را اجتناب ناپذیرمی سازد. برای اینکه کشور عزیزمان بتواند در رتبه شاخص توسعه انسانی متناسب با امکانات بالقوه اقتصادی کشور حرکت کند باید منابع بسیار بیشتری به مقوله آموزش، چه در سطح سواد آموزی و چه در مقاطع تحصیلی، بویژه در سطح زیر دانشگاه تخصیص یابد. اگر چه افزایش کمی میزان پوشش تحصیلی در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه یکی از سیاستهای مؤثر در این ارتباط است کاهش افت تحصیلی و ترک تحصیل دانش آموزان نیز موضوعی است که باید مورد توجه جدی قرارگیرد. دلیل اصلی افت تحصیلی و ترک تحصیل را باید عمدتاً در فقر خانواده ها و یا کیفیت پایین آموزش جستجو کرد که موجب خروج دانش آموزان از نظام آموزشی و روی آوردن آنان به بازار کار کودکان می شود.

همچنین به موازات بهبود کمی و کیفی آموزش بهبود نظام بهداشتی و تخصیص منابع بیشتر به این بخش نیز به ارتقاء رتبه شاخص توسعه انسانی کمک می کند.

نکته ای در این ارتباط که نباید مورد غفلت قرار گیرد، وجود شکافهای منطقه ای در بخش های مختلف و از جمله در بخش های اجتماعی است. با توجه به اینکه کلیه متغیرها در سطح ملی مورد ارزیابی و سنجش قرار می گیرند عقب ماندگی و محرومیت برخی مناطق می تواند شاخصهای ملی را به سطح پائین تری سوق دهد. لذا توجه بیشتر به برنامه ریزی منطقه ای و شناسایی بخش ها و مناطق محروم و اتخاذ سیاستهایی برای محرومیت زدگی آنها می تواند بسیار مؤثر باشد.

در واقع کلیه آحاد کشور صرفنظر از اینکه در چه مکانی زندگی می کنند از نظر حقوق انسانی و اجتماعی با یکدیگر برابر بوده و حق برخورداری از فرصت های مساوی را دارند و تنها با این دیدگاه است که می توان کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی را در سطح ملی ارتقاء بخشید.

جدول (۱) - تولید ناخالص داخلی سرانه (PPP) و رتبه شاخص توسعه انسانی (HDI)

در کشورهای منتخب کشورهای نفتی خاور میانه و شمال آفریقا

کشور	تولید ناخالص داخلی سرانه (PPP)	شاخص توسعه انسانی	رتبه PPP	رتبه HDI	شکاف بین PP-HDI
قطر	۳۶۶۳۲	%۸۷۵	۹	۳۵	-۲۶
اتریش	۳۶۳۶۸	%۹۴۸	۱۰	۱۵	-۵
امارات متحده عربی	۳۴۱۰۹	%۸۶۸	۱۶	۳۹	-۲۳
سوئد	۳۴۷۳۵	%۹۵۶	۱۵	۶	+۹
کویت	۲۰۸۸۶	%۸۹۱	۳۶	۳۳	+۳
مجارستان	۲۰۰۴۷	%۸۷۴	۳۸	۳۶	+۲
عربستان سعودی	۱۶۵۰۵	%۸۱۲	۴۶	۶۱	-۱۵
آرژانتین	۱۶۰۸۰	%۸۶۹	۴۹	۳۸	+۱۱
لیبی	۱۲۸۴۸	%۸۱۸	۵۷	۵۶	+۱
شیلی	۱۲۸۱۱	%۸۶۷	۵۸	۴۰	+۱۸
ایران	۸۵۳۵	%۷۵۹	۷۹	۹۴	-۱۵
پاناما	۸۵۹۳	%۸۱۲	۷۶	۶۲	+۱۴

هدف توسعه انسانی

هدف اصلی توسعه انسانی، خدمت به انسان و بشریت است. پرورش قابلیت ها، توانایی و شکوفایی استعدادها، گسترش فرصت ها و اشتغال ، افزایش درآمد، بهبود کیفیت زندگی و برخورداری از زندگی سالم و خلاق در محیطزیستی پایدار هدف نهایی توسعه است .

به طور کلی، می توان برای توسعه انسانی ۲ مفهوم کلی را منظور کرد :

۱- تشکیل توانمندی های انسانی از طریق سرمایه گذاری در نیروی انسانی

۲- شیوه به کارگیری توانایی های رشدیافته از طریق مشارکت های اقتصادی و اجتماعی در جامعه.

توسعه انسانی، گسترش انتخاب انسان هاست. اساس گسترش انتخاب ها نیز ایجاد توانایی ها یا توانمندسازی انسان است. در دنیای امروز، این نظریه که آزادی انسان ها و میزان مشارکت آنها در فرآیند توسعه نقش مستقیمی در رشد شاخص های صنعتی اقتصادی دارد، یک تئوری اثبات شده است که می توان به جرات گفت همواره زیربنای اصلی رشد و توسعه اقتصادی کشورهای صنعتی پس از جنگ جهانی دوم بوده است. بر همین اساس، سازمان های بین المللی وابسته به سازمان ملل متحد، شاخص توسعه انسانی را در کشورها اندازه گیری و آنها را براساس آن رتبه بندی می کنند. در این دیدگاه ، برای نخستین بار در عمل نقش انسان از نقش سرمایه در فرآیند توسعه اقتصادی فراتر رفت و حتی در جایگاهی برتر از آن نشست.

با این تعبیر که توسعه اقتصادی در اصل با توسعه انسانی تحقق می یابد. توسعه یافتگی نه تنها به دست انسان های توسعه یافته محقق می شوند، بلکه معیار ارزیابی توسعه و درجه پیشرفت برنامه های توسعه نیز بر پایه توسعه انسانی و میزان رشد شاخص های مربوط است. در این دیدگاه ، انسان نه تنها ابزار توسعه که هدف توسعه بود، در حالی که پیش از آن حتی تاکید بر سرمایه انسانی از بعد ارزش و اهمیت ابزاری آن در فرآیند توسعه صورت می گیرد.

نتیجه گیری

به اعتقاد بسیاری از آگاهان اقتصاد جهانی ، مطالعات آژانس های بین المللی تحقیقاتی بهترین فهرست را در اختیار کشورهای توسعه یافته قرار می دهد تا با استفاده از آن ، تجارت بدون مرزی خود را شکل دهند. در این فرآیند، چه بسا کشورهایی وجود دارند که به لحاظ رشد اقتصادی و درآمد سرانه ، هر سال صعود بیشتری را تجربه می کنند؛ اما در اقتصاد جهانی به عنوان کشورهای توسعه یافته شناخته نمی شوند، چون عناصر اساسی در الگوهای مراودات اقتصاد جهانی بهره وری، پایایی) امکان ذخیره و جبران هر نوع سرمایه فیزیکی، انسانی و زیست محیطی) آزادی انسان ها و مشارکت فعال آنهاست که الگوی توسعه انسانی را شکل می دهد و براساس آن کشورهای مختلف حرکت رو به جلوی تجارت بین المللی خود را آغاز می کنند. در این بازی اقتصادی، کشورهایی که در آن توسعه انسانی در پس سایه های گنگ به خاک نشسته است ، بازنده اصلی هستند. به نظر می رسد امروزه توسعه انسانی به واقعیتی بزرگ تبدیل شده است؛ واقعیتی که حتی مبادلات خارج از مرزهای یک کشور و یا مراودات جهانی را نیز تحت تاثیر می دهد.

گزارش های انجام شده از سوی آژانس های بین المللی در سال ۲۰۰۰ تصریح می کند که رتبه ایران به لحاظ شاخص توسعه انسانی ۹۸ و در میان کشورهای دارای شاخص مورد بحث در رده متوسط است. در بررسی وضعیت توسعه انسانی در جهان آمده است: برای اندازه گیری شاخص توسعه انسانی به کشورها، نمره ای از صفر تا یک تعلق می گیرد که هرچه این عدد از صفر به سمت یک حرکت کند، نشان دهنده وضعیت بهتر شاخص توسعه انسانی در میان کشورهاست. نتایج اندازه گیری این شاخص در کشورهای مختلف جهان در سال 2003 نشان می دهد که ۴۹ درصد کشورها دارای شاخص توسعه انسانی متوسط (که ایران نیز در همین گروه قرار دارد) ۳۶۰ درصد از کشورها دارای شاخص توسعه انسانی متوسط پایینی هستند.

براساس این گزارش ، ایران با شاخص توسعه انسانی ۷۲۵ درصد، رتبه ۹۸ را به خود اختصاص داده و در گروه کشورهای دارای شاخص توسعه انسانی متوسط قرار گرفته است .این بررسی توسعه انسانی در جهان تصریح می کند که رشد تولید ناخالص داخلی سرانه ایران در افزایش شاخص توسعه انسانی این کشور موثر بوده است. هرچند ارزیابی رتبه کشور به لحاظ شاخص توسعه انسانی نشان می دهد رتبه ایران از ۹۰ در سال ۱۹۹۹ به ۹۸ در سال

۲۰۰۰ نزول کرده است؛ اما باید توجه داشت که در همین مدت تعداد ۱۱ کشور به فهرست بررسی شاخص توسعه انسانی اضافه شده است که از این تعداد ۸ کشور به لحاظ شاخص توسعه انسانی در مکان بالاتر از ایران ایستاده اند. از میان کشورهایی که رتبه شاخص توسعه انسانی آنها بالاتر از ایران است، می توان بحرین (رتبه ۳۹)، عربستان سعودی (رتبه ۷۱)، لبنان (رتبه ۷۵)، ترکیه (رتبه ۸۵)، آذربایجان (رتبه ۸۸)، ازبکستان (رتبه ۹۹) را نام برد. از طرف دیگر اندونزی (رتبه ۱۱۰)، مصر (رتبه ۱۱۵)، هندوستان (رتبه ۱۱۴) و پاکستان (رتبه ۱۳۸) نیز از جمله کشورهایی هستند که از حیث توسعه انسانی در وضعیتی بدتر از ایران به سر می برند.

فرمول شاخص توسعه انسانی

$$\frac{LE - 25}{85 - 25} = \text{Life Expectancy Index} \quad \bullet$$

$$\frac{2}{3} \times ALI + \frac{1}{3} \times GER = \text{Education Index} \quad \bullet$$

$$\frac{ALR - 0}{100 - 0} = \text{(Adult Literacy Index (ALI)} \quad \circ$$

$$\frac{CGER - 0}{100 - 0} = \text{(GER) Enrollment Ratio Gross} \quad \circ$$

$$\frac{\log(GDPpc) - \log(100)}{\log(40000) - \log(100)} = \text{GDP Index} \quad \bullet$$

LE: Life expectancy

ALR: Adult literacy rate

CGER: Combined gross enrollment ratio

GDPpc: GDP per capita at PPP in USD

عدد به دست آمده برای شاخص توسعه انسانی ایران

$$70.7 - 25 / 85 - 25 = \%76 \quad \text{امید به زندگی}$$

$$\log 7 / 500 - \log 100 / \log 40000 - \log 100 = \%72 \quad \text{درآمد سرانه}$$

$$72 - 25 / 85 - 25 = \%75 \quad \text{آموزش}$$

منابع و مأخذ

- www.bazarekar.ir
- www.bashgah.net
- www.rastak.com
- خبرگزاری فارس
- روزنامه جام جم، یکشنبه ۹ دی ماه ۱۳۸۶